

"بررسی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه"

دکتر حسنعلی مؤذن زادگان*

مقدمه

از جمله جرایمی که در حقوق جزای اختصاصی ذیل جرایم علیه اشخاص اعم از قتل، قطع و نقص عضو، جرح و ضرب مورد بحث و بررسی محققین قرار می‌گیرد، صدمات بدنی در اثنای منازعه است. کیفیت وقوع صدمات مزبور و وضعیت ذهنی مرتکبین قبل از ورود در صحنه منازعه و نیز ویژگی‌های نزاع‌های دسته جمعی خصوصاً در جوامعی که فاقد فرهنگی معقول و منضبط هستند، موجب گردیده که مقننین مبحثی جداگانه تحت عنوان جرایم علیه اشخاص برای جرم مزبور تدارک ببینند. در مطالعه و بررسی شرایط تحقق جرم ملاحظه می‌شود که مقنن و رویه قضایی ایران

*. اسنادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

طی سالیان متمادی در خصوص طرز تلقی و دیدگاه خود نسبت به کیفیت شکل‌گیری ارکان و عناصر آن و نیز مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از ارتکاب جرم دستخوش تحول فراوانی بوده است. در این مقاله نگارنده به بررسی ارکان و کیفیت مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در قوانین موضوعه و فقه امامیه پرداخته است.

مبحث اول - سابقه‌ی قانونگذاری

الف - قانون مجازات عمومی: جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه برای اولین بار در ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ ه‍.ش پیش‌بینی شده است. ماده مزبور می‌گوید: "هرگاه در اثنای منازعه که چند نفر به خصوص در آن مشارکت داشته‌اند، قتل یا ضرب یا جرح واقع شود و مرتکب شخصاً معلوم نباشد هر یک از آنها در صورت وقوع قتل به یک الی سه سال و در صورت وقوع جرح به سه ماه الی یک سال و در صورت وقوع ضرب سه الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود".

ب - قانون مجازات اسلامی: قانون حدود و قصاص مصوب شهریور ماه سال ۶۰ به شرح مواد ۱ الی ۸۰ و نیز بخش دیات قانون مجازات اسلامی مصوب آذرماه سال ۶۰ در مواد مربوط و همچنین قانون مجازات اسلامی قسمت تعزیرات مصوب مرداد ماه سال ۶۲ به شرح مواد ۸۹ الی ۱۰۰ که کلیتاً جرایم علیه اشخاص را، ناسخ قانون مجازات عمومی در جرایم مزبور، مقرر نموده بودند، متعرض جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه نشدند. اداره حقوقی وزارت دادگستری در استفسار قضات راجع به اعتبار یا عدم اعتبار ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی طبق نظریه شماره ۷/۵۳۰۷ مورخ ۶۲/۱۲/۲۱ اظهار نظر نمود که: "مقررات ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی راجع به شرکت در منازعه مغایرتی با قوانین قصاص و حدود و دیات و تعزیرات و سایر مقررات اخیر

۱- غلامرضا شهری و سروش سوده جهرمی (گردآورنده) نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسایل کیفری (از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱)، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران ۱۳۷۳، ج اول، ص ۲۹۲.

التصویب ندارد تا ضمناً یا صریحاً نسخ شده باشد. لذا با توجه به نظریه فقهای شورای نگهبان اجرای آن بدون اشکال است. اما در خصوص قتل که در اثنای منازعه واقع شده است، در صورت شناخته شدن قاتل واقعی مورد مشمول ماده ۴۲ قانون حدود و قصاص است و تعارضی بین این ماده و ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی مشاهده نمی‌شود. ضمناً باید توجه داشت که در صورت تعارض امارات ظنی بر طبق تبصره ماده ۳۷ قانون قصاص حکم قسامه سابق و موضوع مشمول قسمت اول ماده ۴۲ می‌شود.^۱

کتاب اول تا چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰ که به موجب ماده ۴۹۷ همان قانون ناسخ مواد عمومی و مقررات حدود و قصاص و دیات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۶۱ گردید، در خصوص پیش بینی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه همچنان سکوت اختیار کرد. و لذا بار دیگر در استفسار قضات از اداره حقوقی دادگستری، این اداره همچون نظر سابق خود، همچنان به اعتبار ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی، اظهار نمود.^۱

وضعیت ابهام‌آمیز موضوع فوق در مقررات کیفری و سوالات مکرر قضات محاکم از اداره حقوقی دادگستری و نیز اتخاذ رویه‌های مختلف محاکم در کیفیت برخورد با جرم مورد بحث، سرانجام مقنن را ملزم نمود که در تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تعزیرات و مجازاتهای باز دارنده در خرداد ماه سال ۷۵ ه.ش در ذیل فصل هفدهم جرایم علیه اشخاص و اطفال، سکوت را شکسته و موضع خود را در این خصوص مشخص کند. ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی در این زمینه می‌گوید:

”هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

- ۱- در صورتی که منتهی به قتل شود به حبس از یک سال تا سه سال.
- ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.
- ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

۱- همان کتاب، صص ۷۲۷-۷۲۸.

تبصره ۱- در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲- مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد بود.

مبحث دوم - تعریف

غور در مفاد مواد قوانین مجازات عمومی و اسلامی راجع به جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه بیانگر آن است که تعریف جرم از دیدگاه دو قانون مختلف است.

الف - در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴: با عنایت به مفاد ماده ۱۷۵ قانون مذکور، ملاحظه می‌شود که جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه متشکل از عواملی است که مجموع آنها موجب تحقق جرم است. این عوامل عبارتند از: وقوع صدمات بدنی (قتل، جرح یا ضرب)، به وسیله‌ی چند نفر معین، در اثنای و یا حین منازعه و یا زد و خورد، نامشخص بودن مرتکب.

از جمع اجزای مذکور جرم ایراد صدمات بدنی در اثنای منازعه چنین تعریف می‌شود: وقوع ایراد صدمات بدنی به وسیله چند نفر معین در حین زد و خورد مشروط به نامشخص بودن مرتکب.

ب - در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵: با عنایت به مفاد ماده ۶۱۵ قانون مزبور، معلوم می‌شود که در این قانون اجزای متشکل جرم عبارتند از: وقوع صدمات (قتل، نقص عضو، جرح و ضرب)، به وسیله عده‌ای، در حین نزاع یا زد و خورد. از جمع اجزای مذکور در تعریف این جرم می‌توان گفت: وقوع صدمات بدنی در حین نزاع به وسیله عده‌ای معین اعم از مشخص بودن یا نبودن عامل صدمه.

ج - مقایسه تعاریف: در قانون مجازات عمومی نامشخص بودن عامل صدمه شرط تحقق جرم است. به نحوی که اگر عامل صدمه مشخص باشد، از مبحث جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه خارج هستیم. اما در قانون مجازات اسلامی، عناصر به گونه‌ای ارائه شده است که عامل صدمه مشخص باشد و یا نباشد، با جمع سه جزء وقوع صدمات در اثنای زد و خورد و به وسیله چند نفر معین جرم ایراد صدمات بدنی در اثنای منازعه محقق می‌شود. از نظر تحلیل حقوقی کدام یک از تعاریف مذکور دقیق و صحیح است؟ به نظر می‌رسد که تعریف استخراج شده در قانون مجازات عمومی دقیق و مطابق با موازین است. زیرا در صورتی که عامل صدمه خواه به نحو مباشرت یا شراکت در ایراد صدمات بر حسب ادله محکمه پسند در اثنای منازعه مشخص باشد، طبق موازین قانونی موجود حسب مورد به مجازات قصاص نفس یا عضو یا جرح و یا به دیه و حبس و یا حبس محکوم می‌شود و با خلا قانونی مواجه نیستیم و نیازی به اثنای ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی نبوده است. توضیح مطلب اینکه در صورت مشخص بودن عامل صدمه چند فرض متصور است که در هر مورد قانونگذار تکلیف را تعیین نموده است و با عنایت به تبیین فروض دلیل، در صورت اعتقاد نداشتن به شرط نامشخص بودن مرتکب به عنوان قید تعریف، فلسفه وضع ماده ۶۱۵ مخدوش خواهد بود.

۱- در فرض وقوع قتل و احراز عمدی بودن آن، مرتکب در صورت درخواست اولیای دم و تحقق شرایط به قصاص نفس محکوم می‌شود^۱. و چنانچه در فرض مذکور اولیای دم گذشت نمایند و یا با اخذ دیه مصالحه کنند و یا شرایط قصاص محقق نباشد، مرتکب، وفق نظر قاضی به سه الی ده سال حبس محکوم می‌گردد^۲.

۲- در فرض وقوع نقص عضو و یا جرح و احراز عمدی بودن آن، مرتکب در صورت درخواست اولیای دم و تحقق شرایط به قصاص عضو و یا جرح بر حسب مورد محکوم

۱- ر.ک. به: مواد ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹ و ۲۱۹ و سایر مواد باب اول کتاب سوم قانون مجازات اسلامی.

۲- ر.ک. به: ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی.

می‌گردد.^۱ و اگر در این فرض مجنی علیه گذشت نماید و یا با اخذ دیه مصالحه کند و یا شرایط قصاص عضو یا جرح محقق نباشد، مرتکب وفق نظر قاضی و بر حسب مورد به دو سال تا پنج سال و یا سه ماه تا یک سال و یا سه ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود.^۲

۳- در فرض وقوع ضرب اعم از احراز عمدی یا غیر عمدی بودن آن، مرتکب بر حسب مورد صرفاً در صورت مطالبه مضروب به پرداخت دیه محکوم می‌گردد.^۳

مبحث سوم - ارکان اختصاصی صدمات بدنی در اثنای منازعه

الف - رکن قانونی: همان گونه که در مبحث سابقه قانونگذاری این جرم ملاحظه شده، در حال حاضر عنصر قانونی ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ است.

ب - رکن مادی: رکن مادی این جرم دارای اجزای ذیل است:

۱- وقوع منازعه: قانونگذار هر دو قانون مجازات عمومی و اسلامی، یکی از اجزای رکن مادی را تحقق منازعه ذکر کرده‌اند. منازعه در باب مفاعله به معنی زد و خورد است. در منازعه، زد و خورد از سوی اشخاص درگیر در نزاع محقق است. اشخاص ورود در منازعه ضارب و مضروب واقع می‌شوند. در این میان میزان صدمه ملاک نیست، ممکن است یک نفر مرتکب ضرب شود، اما مجروح واقع گردد. معیار تحقق منازعه به آن است که اشخاص درگیر در نزاع به زد و خورد با یکدیگر مبادرت کرده باشند.

بنابراین اگر چند نفر موجب صدمه به یک یا چند نفر دیگر شدند، بدون اینکه اشخاص اخیر متقابلاً مرتکب صدمه به مهاجمان کردند، منازعه تحقق نیافته و در نتیجه موضوع این جرم واقع نشده است.

۱- ر.ک به: مواد ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، و سایر مواد باب دوم کتاب سوم قانون مجازات اسلامی.

۲- ر.ک به: تبصره ۲ ماده ۲۹۶ و ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی.

۳- ر.ک به: ماده ۲۶۹ و مواد ۴۸۴ و ۴۸۵ قانون مجازات اسلامی.

۲- معین بودن اشخاص شرکت کننده در منازعه؛ در قانون مجازات عمومی به این شرط اشاره شده است که چند نفر به خصوص در منازعه باید مشارکت داشته باشند. این شرط اضافی است و نیازی به تصریح آن نخواهد بود. زیرا طبق اصل شخصی بودن مجازاتها، تا زمانی که مرتکب جرمی مشخص یا معین نباشد، اعمال مجازات امکان پذیر نیست. و لذا در قانون مجازات اسلامی قانونگذار به این قید تصریح ننموده است. و صرفاً با بیان اینکه عده‌ای در منازعه دخالت داشته باشند، به ارائه تعیین مجازات برای شرکت کنندگان در نزاع پرداخته است.

۳- مشخص نبودن عامل صدمه: قید دیگری که از اجزای عنصر مادی این جرم محسوب است^۱ و صریحاً در ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی از آن یاد شده است، ولی در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی در مورد آن صراحتی موجود نیست، معلوم نبودن عامل صدمه است. از نظر تحلیل حقوقی لزوماً مشخص نبودن عامل صدمه شرط تحقق این جرم است. زیرا در صورتی که عامل صدمه مشخص باشد، در این صورت امکان تعقیب و مجازات مرتکب با استفاده از سایر مواد قانون مجازات در فصل ایراد صدمات بدنی موجود است. به عنوان مثال اگر در یک منازعه الف، ب و ج مشارکت داشته باشند و الف موجب شکستن پای ب و ج نیز باعث جرح "الف" و ب نیز مبادرت به قتل ج در اثنای منازعه کرده و با دلایل محکمه پسند این موضوع بر دادگاه ثابت شود، قاضی طبق فصول مربوط به قصاص نفس و عضو و مواد ذیل جرایم علیه اشخاص در قانون تعزیرات، بنا بر فروض مختلفی که قبلاً مطرح کردیم، بر حسب مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. و لذا نیازی به انشای ماده‌ای مجزی تحت عنوان وقوع صدمات در اثنای منازعه و تعیین تکلیف قاضی در این خصوص نیست. و کاری عبث و بیهوده خواهد بود. همان گونه که ملاحظه شد، قانون مجازات اسلامی در این خصوص، به طور مطلق برای شرکت کنندگان در نزاع؛ اعم از اینکه عامل صدمه مشخص باشد یا خیر، تعیین مجازات نموده است. به نظر می‌رسد عدم تصریح قانونگذار اسلامی را در باب

۱. ابراهیم پاد، حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱ ص ۱۶۲.

مشخص نبودن عامل صدمه باید حمل بر ماسحه کرد. و همچنان باید بر این نکته پای فشرده که شرط تحقق این جرم حتی در قانون مجازات اسلامی، مشخص نبودن عامل صدمه است.

۴- تعداد شرکت کنندگان در نزاع: قانونگذار هر دو قانون مجازات عمومی و اسلامی، به تعیین حداقل تعداد شرکت کنندگان در نزاع تصریحی ننموده است. در قانون مجازات عمومی با تصریح به اینکه چند نفر به خصوص در منازعه مشارکت داشته باشند و در قانون مجازات اسلامی با بیان اینکه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، به تبیین حکم شرکت در منازعه پرداخته‌اند. با این حال مؤلفین حقوق جزا را عقیده بر این است که حداقل اشخاص شرکت کننده در نزاع باید سه نفر باشند^۱. زیرا در صورتی که شرکت کنندگان در نزاع دو نفر باشند، در این صورت به لحاظ مشخص بودن مرتکبین صدمه، این جرم محقق نمی‌شود. به نظر مؤلفین مزبور وقتی که دو نفر در منازعه دخالت داشته باشند، مرتکبین صدمه مشخص هستند. یعنی معلوم است که صدمات وارده بر یکی از آن دو نفر ناشی از فعل دیگری است.

به نظر می‌رسد که به طور مطلق نمی‌توان گفت که اگر شرکت کنندگان در نزاع دو نفر هستند، عامل صدمه مشخص است. زیرا چه بسا یکی از دو نفر شرکت کننده در نزاع شخصاً موجب صدمه بر خود شده باشد. با این حال اصل بر آن است که اگر دو نفر در منازعه شرکت کنند، میزان صدمه هر یکی از آنان ناشی از فعل دیگری است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۵- وقوع صدمات در اثناء یا حین منازعه: جزء دیگر عنصر مادی این جرم وقوع صدمات در حین یا اثنای منازعه است. منظور از اثنای منازعه یا در حین آن، این است که وقوع صدمات در فاصله زمانی از ابتدا تا انتهای منازعه تحقق پیدا کند. و به همین جهت در بندهای مختلف ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی به صراحت متهمی شدن منازعه را به

۱- همان کتاب و سلیمان عبدالمنعم و محمد زکی ابو عامر، قانون العقوبات اللبنانی، المؤسسة الجامعیة للدراسات، بیروت ۱۴۱۶ هـ فی الطبعة - الأولى، صص ۲۶۹ - ۲۷۰.

صدمات بدنی شرط تحمیل مجازات مقرر بر مرتكب مقرر نموده است. در عين حال اگر نتيجه صدمه پس از منازعه حاصل شده ولي سبب ايجاد آن در حين يا اثنای منازعه تشخيص شود، رويه قضايی به حق صدمه را در اثنای منازعه تلقی نموده است.^۱

۶- احراز رابطه علیت بين صدمات و منازعه: جرم ایراد صدمات بدنی در اثنای منازعه از جرایم مفید است. به این معنی که قاضی باید احراز کند، وقوع صدمات ناشی از منازعه یا درگیری بوده است. بدون احراز این مطلب جرم مزبور محقق نمی شود.

جزء مزبور از عنصر مادی از صدر بندهای ۱-۳ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز به خوبی قابل استنباط است. در هر یک از بندهای مزبور مقنن تحمیل مجازات را موکول به این دانسته است که نزاع منتهی که صدمات بدنی شود.

در این خصوص نیز احراز رابطه علیت اعم از این است که معلوم شود، صدمه با فعل مستقیم منازعین صورت پذیرفته یا با فعل غیر مستقیم. بنابراین اگر محرز شود که قتل احداث منازعین با ضربه چاقو و یا چوبدستی و یا اسلحه دیگر منازعین صورت نگرفته، بلکه مقتول که خود از جمله منازعین بوده، در اثنای منازعه به شدت بر زمین خورده و خونریزی مغزی پیدا کرده و فوت نموده است، رابطه سببیت بین قتل و منازعه محرز است.

ج - رکن معنوی: اگر چه قانون مجازات عمومی و اسلامی تصریحی به ضرورت عمدی بودن شرکت در منازعه ننموده است، لیکن جرم مزبور از جمله جرایم عمدی است.

برای تحقق عنصر معنوی صرف احراز عمد شرکت در منازعه کفایت می کند. لذا احراز سوء نیت خاص یعنی قصد ایراد صدمه بدنی از سوی احداث منازعین نسبت به دیگری، ضرورتی ندارد. به عبارت دیگر هر چند شرکت کنندگان در نزاع به طور کلی یا

۱- ابراهیم پاد، همان کتاب، ص ۱۶۴.

نوعی با قصد ایراد صدمه وارد نزاع می‌شوند، لیکن آنچه که موجب تحقق جرم از ناحیه عنصر معنوی است، صرف احراز عمد در شرکت در منازعه می‌باشد. در واقع آنچه مد نظر مقننین در پیش‌بینی این جرم بوده است، اینکه از جسارت و تهور اشخاص بی‌باک و فرومایه در معرکه‌های زبان‌آور اجتماعی جلوگیری کند. و در حقیقت فلسفه جرم شناختن این اقدام منع و ردع افراد از مداخله یا شرکت در نزاع می‌باشد. و بدین ترتیب در صورتی که در اثنای نزاع رهگذر یا شخصی که قصد میانجیگری برای حل و فصل منازعه را دارد، مضروب یا مجروح شود، به لحاظ فقد عنصر معنوی قابل تعقیب نیست. و حتی می‌تواند به عنوان شاکی علیه منازعین اعلام جرم نماید.

مبحث چهارم - مجازات

الف - حبس: در هر دو قانون مجازات عمومی و اسلامی قانونگذار بر حسب صدمه و ضایعه حاصله از منازعه مجازاتهای حبس متفاوتی مقرر کرده است. در قانون مجازات اسلامی که اکنون ملاک اعتبار رسیدگی در محاکم ماست، اگر در اثنای منازعه قتل حاصل شود، مجازات مرتکب یک سال تا سه سال خواهد بود. و در صورت نقص عضو حبس از شش ماه تا یک سال و در فرض وقوع ضرب و جرح، حبس از سه ماه تا یک سال تعیین گردیده است.

ب - قصاص و دیه: در تبصره ۲ ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی پس از تعیین حبس در متن ماده به شرحی که بیان گردید، آمده است: "مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد."

چنانکه از صراحت تبصره مذکور معلوم می‌شود، این تبصره مجازاتهای حبس پیش‌بینی شده در متن ماده را مانع اجرای مجازاتهای قصاص یا دیه بر حسب مورد نداشته است. به عبارت دیگر قاضی مکلف شده است علاوه بر مجازاتهای حبس، مرتکب را بر

حسب مورد به قصاص و یا دیه نیز محکوم نماید. این موضوع قابل تأمل است و جای بررسی جدی دارد.

۱- قصاص: همان گونه که در بررسی عنصر مادی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه ملاحظه کردیم، یکی از اجزای عنصر مادی "نامشخص بودن مرتکب" است و اساساً فلسفه وضع ماده ۶۱۵ در قانون مجازات اسلامی، این امر اجتناب ناپذیر دانستیم که در برخی موارد امکان تشخیص عامل صدمه در نزاع های دسته جمعی وجود ندارد. از آنجا که اعمال قصاص به عنوان یک مجازات بدنی شدید در صدمات بدنی موکول به تشخیص فاعل صدمه است، مقنن به منظور حفظ نظم و امنیت اجتماعی به ناچار برای اشخاص مداخله کننده در نزاع مجازات حبس بر حسب نتایج صدمات پیش بینی و مقرر کرده است. و در حقیقت صرف ورود در نزاع و تحقق صدمات را بدون تشخیص عامل صدمه موجب تحمیل مجازات حبس بر مرتکبین نموده است. بنابراین پیش بینی قصاص دو فرض را متجلی می سازد.

فرض اول: با توجه به اینکه در ماده ۶۱۵، نامشخص بودن عامل صدمه شرط تحقق جرم قلمداد نشده است، قانونگذار فرض نموده که اگر در یک نزاع دسته جمعی تعدادی از منازعین به عنوان عامل صدمه مشخص شوند، بر حسب مورد طبق مواد قانون که قبلاً بیان گردید، به قصاص یا دیه و حبس و یا حبس محکوم شوند. و آن دسته از منازعین که به عنوان عامل صدمه شناسایی نگردند، حبس مقرر در ماده ۶۱۵ نسبت به آنان اعمال شود.

فرض دوم: قانونگذار علاوه بر اعمال قصاص یا دیه بر حسب مورد در نزاع های دسته جمعی اعم از تشخیص یا عدم تشخیص عامل صدمه، به لحاظ جلوگیری از ورود اشخاص در این گونه معرکه های زبان بار حبس تعیین کرده است. البته اگر عامل صدمه مشخص نشود، صرفاً به حبس محکوم می گردد و در صورت تشخیص عامل صدمه علاوه بر اعمال قصاص یا دیه، به حبس نیز محکوم می شود.

رد فروض مذکور: تصور فرض اول غیر منطقی است. زیرا در صورتی که عامل صدمه

مشخص باشد، با خلاء قانونی مواجه نیستیم، و لذا پیش‌بینی تبصره زائد است. و قانونگذار نباید مبادرت به اندراج الفاظ و عبارت زائد در قانون نماید تا موجب ابهام گردد. و همین طور تصور فرض دوم نیز بر خلاف موازین حقوقی و شرعی است. چه اینکه از نظر شرعی اگر عامل صدمه در صدمات بدنی مشخص باشد، جزء اعمال قصاص و یا دیه بر حسب مورد امر دیگری پیش‌بینی نشده است.^۱ نهایت اینکه اگر اعمال قصاص به هر دلیل ممکن نباشد، طبق نظر فقهای عامه، قاضی می‌تواند برای حفظ نظم عمومی حبس تعزیری برای مرتکب تعیین نماید.^۲

و به لحاظ حقوقی نیز اگر چنانچه گفته شود، منازعین با ارتکاب فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد (ایراد صدمات بدنی و شرکت در منازعه) شده‌اند، این امر از مصادیق تعدد معنوی محسوب شده و مجازات اشد که همانا قصاص یا دیه، یا دیه و حبس و یا حبس بر حسب مورد است، باید بر آنان تحمیل شود. و جمع مجازاتهای مذکور با حبس مقرر در ماده ۶۱۵ موردی ندارد. و همین طور از حیث قانون مجازات اسلامی با توجه به تبصره ماده ۴۷ که حکم تعدد جرم را در قصاص و دیات جاری ندانسته است، چنانچه عامل صدمه مشخص باشد، به جز قصاص و دیه و یا حبس و دیه و یا حبس بر حسب مورد، اعمال حبس مقرر در ماده ۶۱۵ بر مرتکب توجیه قانونی ندارد. خصوصاً اینکه مجازاتهای مذکور نسبت به حبس مقرر در ماده ۶۱۵ اشد نیز می‌باشند.

از مجموع مطالب مذکور این نتیجه حاصل می‌شود که حکم تبصره ۲ ماده ۶۱۵ در مورد پیش‌بینی قصاص علاوه بر مجازاتهای حبس مذکور در متن ماده، بر خلاف موازین شرعی، حقوق و قانونی است.

۲- دیه: ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، دیه را در زمره مجازاتها محسوب داشته

۱. سید ابوالقاسم خویی، مبانی تکملة المنهاج، انتشارات آداب، نجف اشرف، بی‌تا، کتاب القصاص، صفحات ۱۸۵، ۳ و سایر کتب فقهی امامیه

۲. عبدالقادر عوده، التشریع الجنایی الاسلامی، دارالکتاب العربی، بیروت، الجزء (الثانی)، صص ۱۸۳ - ۱۸۴.

است. و ماده ۱۵ همان قانون دیه را مالی دانسته که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. و در ماده ۲۹۴، ضمن تأکید بر ماهیت مالی بودن دیه که به سبب جنایت بر نفس یا عضو تعیین می‌شود، پرداخت آن را در حق مجنی علیه یا اولیای دم او ممکن دانسته است. از مجموع مواد یاد شده چنین استنباط می‌شود که ماهیت دیه صرفاً جزایی نیست. زیرا جزایی تلقی نمودن دیه مقتضی پرداخت آن به خزانه دولت است^۱، و لذا حداقل از نظر قانونگذار ماهیت دیه را باید دارای دو جنبه جبران ضرر و زیان ناشی از تعرض به تمامیت جسمانی اشخاص و تعیین کیفر برای مجرم بر حسب موارد مقرر در قانون دانست^۲.

با تسلیم به این نکته که اخذ دیه از حیث ضرر و زیان نیز مقرر است، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که با توجه به نامشخص بودن مرتکب صدمات بدنی در اثنای منازعه دیه صدمات هر یک از متازعین را در صورت مطالبه از چه کسی و چگونه باید اخذ کرد؟ به عبارت دیگر وقتی که مرتکب مشخص نباشد، رابطه علیت بین ایجاد صدمه و عامل آن مبهم است. و از آنجا که برای اخذ ضرر و زیان وجود رابطه مزبور بین مرتکب و صدمات وارده باید احراز شود، چگونه می‌توان دعوای ضرر و زیان متازعین علیه همدیگر را مسموع دانست؟

پاسخ به سؤالات مذکور بحث مفصلی را طلب می‌کند در بحث آتی به آن می‌پردازیم.

بحث پنجم - کیفیت امکان مطالبه و مسئول پرداخت دیه

الف - بررسی کیفیت امکان مطالبه دیه:

۱- نظریه عدم امکان: برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که در موضوع صدمات

۱- عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، انتشارات چاپخانه بانک ملی، تهران ۱۳۵۲، ج ۴، صص ۱۷۱، ۱۷۲.

۲- برخی از فقها معتقدند که دیه فاقد خصائص مجازات است برای مطالبه تفصیلی این "رک" به: مهد محمد حسن مرعشی، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳، صفحات ۱۸۳ - ۱۹۶.

بدنی در اثنای منازعه مطالبه ضرر و زیان فاقد وجاهت حقوقی و قانونی است.^۱ زیرا وقتی که عامل صدمه در منازعات معلوم نباشد، به لحاظ عدم احراز رابطه علیت بین رفتار مرتکب و صدمات وارده، موجبی برای مطالب ضرر و زیان به نظر نمی‌رسد. و لذا در منازعات مزبور صرفاً دعوای کیفری قابل طرح و بررسی است. در نظام کیفری سابق بعضی از محاکم کیفری با استدلال مزبور مطالبه ضرر و زیان ناشی از صدمات بدنی را در اثنای منازعه موجه ندانسته‌اند.^۲ برخی از فقهای امامیه با طرح بحث در مورد تردید ارتکاب قتل توسط یک نفر از میان دو نفری که علم اجمالی به ارتکاب قتل مزبور از ناحیه یکی از آنان وجود دارد، در یکی از فروض مطروحه، به لحاظ نامشخص بودن مرتکب قتل که در این مورد با قتل در اثنای منازعه وحدت ملاک دارد، موضوع اعمال قصاص و پرداخت دیه را نسبت به متهمین مزبور منتفی دانسته‌اند. زیرا التزام به اصل براءة مقتضی آن است که در این مورد که حجت شرعی بر احراز رابطه سببیت بین رفتار هیچ یک از مرتکبین قتل به دست نیامده است، اعمال قصاص و یا پرداخت دیه وجود نداشته باشد.^۳ و بدین ترتیب در یک فرض از فروض مطروحه در فقه نیز، اخذ دیه که از حیثیتی مصداق ضرر و زیان می‌باشد، در ما نحن فیه امکان‌پذیر نیست.

۲- نظریه امکان مطالبه دیه: در مقابل استدلال نظریه عدم امکان مطالبه ضرر و زیان در نظام کیفری سابق و دیه در نظام موجود، حقوق‌دانان اداره حقوقی دادگستری^۴ و نیز رأی وحدت رویه شماره ۵۶ مورخ ۵۲/۷/۲۵ هیأت عمومی دیوان کشور مطالبه ضرر و زیان را موجه و وفق موازین تشخیص داده‌اند. به لحاظ اینکه محتوای استدلال اداره حقوقی و رای دیوان عالی کشور، از قوت یکسانی برخوردار هستند، رای مزبور را عیناً نقل

۱- مرتضی محسنی و مرتضی کلانتریان (گردآورنده)، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری، انتشارات روزنامه رسمی، تهران بی‌تا، ص ۵۶۹.
 ۲- آراء وحدت رویه قضایی (از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶)، انتشارات روزنامه رسمی، تهران بی‌تا، ص ۳۱۸.
 ۳- سید محمد شیرازی، الفقه (کتاب القصاص)، انتشارات دارالقرآن قم بی‌تا، صفحات ۱۶۸ و ۱۶۹.
 ۴- مرتضی محسنی و مرتضی کلانتریان (گردآورنده)، همان کتاب، ص ۵۶۹.

می‌کنیم.^۱ "نظر به اینکه طبق مواد ۹ و ۱۴ آیین دادرسی کیفری و اصل کلی شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده می‌تواند به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان نماید و هرگاه دادگاه جزا متهم را مجرم تشخیص دهد، مکلف است به دادخواست تاوانخواه که با رعایت تشریفات مقرر تقدیم شده رسیدگی و ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان وی را نیز با عنایت به دلایل موجود صادر نماید لذا در نظایر موضوع که مداخله متهم در منازعه ثابت و مورد لحوق حکم قرار گرفته است دادگاه نمی‌تواند به این استدلال که مرتکب جرح یا ضرب معلوم نیست و تاوانخواه خود از جمله مجرمین قضیه می‌باشد دعوای خصوصی را رد نماید. بنا به مراتب با اکثریت آراء، دادنامه صادر از شعبه ششم دیوان عالی کشور در این خصوص تایید می‌شود. این رأی طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸، برای شعب دیوان مزبور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است".

به نظر می‌رسد که نظریه مزبور که در اظهار نظر اداره حقوقی و رأی هیأت عمومی دیوان کشور به شرح پیشگفته مندرج است، اصح می‌باشد. زیرا اخذ ضرر و زیان و یا دیه در تعبیر نظام حقوقی ما، به لحاظ تحقق جرم مقرر می‌شود. و در موضوع منازعه، مداخله یا ورود منازعین و قصد شرکت آنان در منازعه موجب تحقق جرم است. و لذا با عنایت به احراز رابطه علیت بین ورود یا مداخله و قصد شرکت در منازعه و تحقق صدمات بدنی در انشای آن، امکان مطالبه ضرر و زیان صدمات وارده از منازعین موجه به نظر می‌رسد.

به عبارت دیگر هر چند در ما نحن فیه احراز رابطه سببیت بین رفتار مرتکبین و صدمات وارده به معنی اخص کلمه امکان‌پذیر نیست، لیکن قدر مسلم اینکه، به طور کلی صدمات وارده ناشی از ورود یا مداخله جمعی منازعه و قصد آنان در شرکت در مخاطره‌ای است که امکان وقوع صدمات به لحاظ منطقی و عقلی وجود داشته است و بدین ترتیب آنچه که پایه مطالبه ضرر و زیان در این مورد خاص را تشکیل می‌دهد، ورود

۱- آراء وحدت رویه قضایی (از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶)، همان کتاب، صفحات ۲۱۹ و ۲۲۰.

یا مداخله منازعین و قصد شرکت آنان در نزاع دسته جمعی است.

در گردش کار رأی شعبه دوم دیوان کشور فرانسه در مورخ ۲ آوریل ۱۹۷۷ دادگاه تجدید نظر در دعوی منازعه‌ای که چند نفر جوان در آن دخالت داشته‌اند، مسئولیت تضامنی منازعین را پذیرفته و تصریح کرده است که: "اگر امکان تعیین قاتل به صورت مشخص وجود ندارد، سبب مرگ قربانی قصد مشترک این جوانان گروه بوده... که همگی تمایل به انتقام‌گیری و نیت ایراد ضرب داشته‌اند".

یکی از محکومین به پرداخت ضرر و زیان از این رأی فرجام خواهی کرد و برای توجیه، درخواست استدلال نموده است که: "دادگاه تجدید نظر در رأی خود مشخص نکرده که به چه صورت و دلیل رفتار وی (به طور مشخص) به صورت یکی از حلقه‌های زنجیر علی برای وجود رفتار خطا کارانه‌ای بوده است" که منجر به قتل شده. بنابراین ایراد شده که قاضی تجدید نظر رابطه سببیت بین خطای این جوان و خسارت را مشخص نکرده است.

درخواست تجدید نظر از سوی شعبه دوم دیوان عالی کشور رد شد، دیوان عالی کشور رأی داد که برای توجیه محکومیت در این باره کفایت می‌کند که نیت مشترک شش جوان برای انتقام احراز گردد و نیز شرکت هر یک از آنها در این دعوی با علم به موضوع و نیت مشترک، ثابت شود. آنچنان که خود معترض فرجام خواه نیز به شرکت عالمانه او در این دعوی اعتراف نموده است، او در واقع، اتومبیل خود را در اختیار گروه قرار داده و اسلحه را حمل کرده و فعالانه در دعوی شرکت کرده بدون آنکه نتایجی را که می‌توانست از این رفتار دسته جمعی حاصل شود مد نظر قرار دهد. هر چند که چنین نتیجه‌ای کاملاً قابل پیش‌بینی بوده است. این نتیجه از مفهوم حقوقی "خطای جمعی" و رابطه سببیت آن با نتایج زیان بار نزاع، به طور مشخص در راستای رؤیه قضایی قدیمی است که مسئولیت تضامنی تمامی اعضای گروه را می‌پذیرد هر چند که شخصی که منشاء (فاعل) مستقیم زیان است، معین نباشد.^۱

1- G.Viney, semaine juridique periodique, E.D.G, 1997. I, Doctrine, 9068.

از مجموع مطالب مذکور معلوم می‌شود که مطالبه دیه بر حسب مورد به لحاظ اینکه از حیثیتی مصداق ضرر و زیان هست، به نحوی که تبصره ۲ ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نموده می‌تواند مانع از اجرای مجازات‌های حبس مقرر در متن ماده نباشد.

ب - مسئول پرداخت دیه: در نظام کیفری سابق طبق نظر اداره حقوقی و نیز رأی به منزله قانون وحدت رویه سال ۵۲ دیوان کشور که مطالبه ضرر و زیان ناشی از ایراد صدمات بدنی در اثنای منازعه را امکان‌پذیر دانسته‌اند، در صورت طرح دعوای ضرر و زیان از سوی هریک از متازعین، سایر آنان باید طرف دعوی قرار گرفته و به طور تساوی ضرر و زیان را بپردازند، ولی در نظام کیفری فعلی؛ به فرض امکان مطالبه دیه به شرحی که تبصره ۲ ماده ۶۱۵ مقرر نموده، قانونگذار مسئول پرداخت دیه را مشخص نکرده است.

قضات محاکم نظام کیفری فعلی با توجه به ملاحظه برخی از مواد قانون مجازات اسلامی تصور کرده‌اند که ممکن است مسئول پرداخت دیه از طریق قرعه انتخاب شده و یا بیت‌المال مسئولیت در پرداخت داشته باشد. در این قسمت ضمن طرح تعیین مسئول پرداخت دیه از طریق قرعه یا بیت‌المال، به تقویت نظر صائب می‌پردازیم که مسئول پرداخت دیه را متازعین دانسته، است.

۱- از طریق قرعه: بعضی از قضات تصور کرده‌اند که ممکن است مسئول پرداخت دیه در ما نحن فیه از طریق استقراع بین متازعین مشخص شود. تصور مزبور از سوالی که قضات محاکم در سال ۷۱ از اداره حقوقی دادگستری داشته‌اند، معلوم می‌شود. متن سوال چنین است^۱. با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰ در مورد منازعه دست جمعی تکلیف چیست و آیا می‌توان دیه را از بین الملل پرداخت کرد و یا مسئول پرداخت دیه را به قید قرعه تعیین نمود یا خیر؟

به نظر می‌رسد که منشاء سوال تصور وحدت ملاکی است که توسط قضات در ما

۱- غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی (گرد آورنده)، همان کتاب، ص ۷۲۷.

نحن فيه با ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی داشته‌اند. ماده مذکور می‌گوید: "اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود".

وحدت ملاک مورد بحث تردید در ارتکاب قتل از سوی یکی از دو نفری است که علم اجمالی مبنی بر ارتکاب آن از ناحیه احد آنان وجود دارد، با صدمات بدنی در اثنای منازعه در این نکته نهفته است که در هر دو حالت، رابطه علیت بین رفتار متهمین و صدمات بدنی احراز نشده است. برخی از فقهای امامیه که معتقد به امکان مطالبه دیه در خصوص مورد فوق الذکر هستند، در یکی از فروض مورد بحث تعیین مسئول پرداخت دیه را از طریق قرعه مورد بحث قرار داده‌اند^۱. و مقنن در انشای ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی از فرض مذکور تبعیت نموده است.

۲- بیت المال: همان گونه که در متن سؤال قضات ملاحظه شد، یکی دیگر از فروضی که در مورد تعیین مسئول پرداخت دیه در صدمات بدنی در اثنای منازعه، مورد بحث قرار گرفته است، مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه است. به نظر می‌رسد که استنباط قضات در مورد اخیر ملاحظه ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی بوده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: "هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود".

فرض مذکور نیز در فقه امامیه مطرح شده است^۲. وحدت ملاک قتل در ازدحام با

۱- سید محمد شیرازی، همان کتاب، ص ۱۶۹ و سید محمد جواد الحسین العاملی، مفتاح الکرامه (فی شرح قواعد العلامة)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۱، ص ۳۴.

۲- سید محمد شیرازی، همان کتاب، ص ۱۶۹.

صدمات بدنی در اثنای منازعه نیز عدم تشخیص عامل صدمه می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه در اظهار نظر شماره ۷/۵۳۰۷ مورخ ۶۲/۱۲/۲۱ قتل در اثنای منازعه را با قتل در ازدحام دارای وحدت ملاک یکسان فرض نموده است و مسئول پرداخت دیه را بیت المال قلمداد کرده است.^۱ در اظهار نظر مزبور به ماده ۴۲ قانون حدود و قصاص مصوب سال ۶۱ استناد شده است که این ماده با اندک تغییری در عبارت عیناً در ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰ ذکر گردیده است.

۳- توزیع پرداخت دیه بالسویه بین منازعین: همان گونه که در مبحث امکان مطالبه دیه از سوی هر یک نزاع کنندگان به طرفیت سایر منازعین ملاحظه کردیم، همه منازعین با نیت ورود در منازعه و شرکت در آن، مرتکب جرم شده‌اند و به لحاظ احراز تقصیر مذکور، مطالبه دیه از آنان کاملاً با منطق حقوقی سازگار است. زیرا صدمات حاصله ناشی از قصد و ورود مشترک منازعین در نزاع بوده است. و به همین استدلال می‌توان گفت دیه صدمات وارده در اثنای منازعه اعم از قتل، قطع و نقص عضو و جرح و ضرب نیز باید به نسبت مساوی بین آنها توزیع گردد. و چنانکه گفته شد رأی شعبه دوم دیوان کشور فرانسه نیز رویه مذکور را اتخاذ کرده است.

بعضی فقهای امامیه ضمن طرح فروض مختلف تعیین مسئول پرداخت دیه از طریق قرعه یا توزیع بین متهمین یا پرداخت توسط بین‌المال در مورد تردید در ارتکاب قتل توسط یک نفر از مجموعه چند نفری که علم اجمالی به ارتکاب قتل از سوی احد از آنان موجود است، یا اعتقاد به انتفای قصاص در این خصوص، نظریه مطالبه دیه را به نسبت مساوی از همه اشخاص مذکور تقویت کرده و پذیرفته‌اند.^۲

مبنای پذیرش فرض توزیع دیه بالسویه بین منازعین از سوی فقهای مذکور لزوم رعایت قاعده عدل و انصاف می‌باشد. به نظر این دسته از فقها قاعده عدل و انصاف اقتضا دارد که در چنین مواردی که تعرضات جمعی از سوی تعداد معینی از اشخاص به

۱- غلامرضا شهری و سروش ستوده تهرانی (گرد آورنده)، همان کتاب، ص ۲۹۲.

۲- سید محمد شیرازی، همان کتاب، ص ۱۶۹.

فرد یا افرادی وارد شده، بدون اینکه به عینه و به طور مشخص عامل صدمه معین باشد، دیه را به نسبت مساوی از اشخاص مذکور مطالبه نمایند. زیرا قاعده طل (لا یطل دم امره مسلم) مانع از عدم پرداخت دیه توسط اشخاص متهم است.

فقه‌های مذکور با وجود قاعده عدل و انصاف تمسک به قرعه را جایز ندانسته‌اند. و همین طور تحمیل دیه بر بیت‌المال در آن مواردی صدق می‌کند که امکان دست‌یابی به موضعی برای پرداخت دیه منتفی فرض شود.^۱ به نظر می‌رسد که علاوه بر لزوم رعایت قاعده عدل و انصاف، همان‌گونه که گفته شد، احراز قصد و ورود مشترک اشخاص شرکت‌کننده در نزاع و وقوع صدمات بدنی در اثنای منازعه از حیث تحلیل حقوقی می‌تواند مبنای دیگر و بلکه مهم‌تر مطالبه دیه به نسبت مساوی از منازعین تلقی گردد. اداره حقوقی قوه قضایه در نظریه شماره ۷/۹۵۳۰ مورخ ۷۱/۱۱/۱۳ با عدول از نظریه قبلی خود که بیت‌المال را مسئول پرداخت دیه عنوان نموده بود، مطالبه دیه را از منازعین به طور مساوی مرجع اعلام کرده است. و تحمیل دیه بر بیت‌المال و یا مطالبه آنرا از یکی از اشخاص شرکت‌کننده با قید قرعه بدون مستند دانسته است.^۲ با این حال توجهی حقوقی یا فقهی برای عدول از نظریه قبلی و تمسک به نظریه اخیر ذکر نگرده‌اند.

فقه‌های مورد بحث علاوه بر لزوم رعایت قاعده عدل و انصاف، فرض توزیع دیه به نسبت مساوی را مستند به روایاتی در این باب نیز دانسته‌اند.^۳ از جمله این روایات، قضاوت حضرت علی (ع) در مورد چهار نفر است که ضمن شرب مسکر، با اسلحه به نزاع پرداخته و دو نفر مقتول و دو نفر مجروح واقع شده‌اند. امام دیه مقتولین را پس از کسر دیه مجروحین، به عهده آنان قرار داده و به اولیای دم مقتولین پرداخت فرمودند. در ضمن قضاوت کردند که اگر مجروحین نیز کشته می‌شدند، اولیای دم هیچ کدام حق مطالبه دیه نداشتند.^۴

۱. همان کتاب، صفحه ۱۶۹

۲. غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، همان کتاب، صفحات ۷۲۷ و ۷۲۸.

۳. سید محمد شیرازی، همان کتاب، ص ۱۶۹

۴. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، الطبعة الخامسة، مکتبه الاسلامیه، طهران ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۱۹،

نکته قابل توجه در این روایت به اضافه تأیید فرض توزیع دیه صدمات بین منازعین به نسبت مساوی، این است که در منازعه برای همه اشخاص شرکت کننده در نزاع فرض تقصیر می شود. بنابراین به عنوان مثال اگر فرد یا افرادی در نزاع کشته شوند، و اشخاص دیگری مجروح یا مضروب واقع کردند، در این صورت سهم دیه مجروحین و مضروبین در نزاع باید از دیه مقتولین کسر شده و مابقی دیه به اولیای دم مقتولین پرداخت گردد. و چنانچه همه اشخاص شرکت کننده در نزاع هلاک شوند، به لحاظ رعایت قاعده فرض تقصیر و عدل و انصاف، اولیای دم هیچ یک حق مطالبه دیه از سایرین را نخواهد داشت. در عین حال باید توجه داشت که اگر علم اجمالی بر وقوع قتل یا صدمه از ناحیه چند نفر به خصوص نسبت به یک یا چند نفر دیگر وجود داشته باشد، بدون اینکه مقتولین یا مصدومین در نزاع مداخله کنند، در این صورت دیه مقتولین یا مصدومین باید به نسبت مساوی از آن چند نفر اخذ شود و در این مورد چون فرض تقصیر برای مقتولین یا مصدومین متفی است و صرفاً تقصیر متوجه آن چند نفر است، هیچ مقداری از دیه مقتولین یا مصدومین کسر نمی گردد. همان طور که ملاحظه شد، ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی با رد فرض تقصیر و یا حداقل قاعده عدل و انصاف، برای تشخیص مسئول پرداخت دیه متوسل به قرعه شده است.

نتیجه گیری

در نظام کیفری فعلی، مقنن برای اولین بار جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه را در ماده ۶۱۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵، پیش‌بینی کرده است. قانونگذار در متن ماده مزبور با اقتباس از ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، بر حسب نتیجه صدمات ناشی از منازعه، مجازاتهای حبس مختلفی مقرر کرده است. در تبصره ۲ ماده ۶۱۵، اعمال قصاص و یا پرداخت دیه را بر حسب مورد مانع از اعمال حبس ندانسته است. به نظر می‌رسد، اعمال قصاص علاوه بر حبس مغایرت بین با موازین حقوقی و فقهی دارد اما مطالبه دیه به لحاظ اینکه از حیثیتی ضرر و زیان ناشی از جرم محسوب می‌شود، می‌تواند مانع از تحمیل حبس بر متازعین نباشد. مقنن مسئول پرداخت دیه و کیفیت اخذ آنرا در تبصره ۲ معین ننموده است. به نظر می‌رسد که با فرض تقصیر کلیه متازعین به لحاظ احراز عمد شرکت در منازعه و ورود در آن، دیه صدمات می‌تواند به نسبت تساوی بین آنان توزیع شود. با عنایت به مطالب مورد بحث پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار اولاً - قید عبارت "عامل صدمه مشخص نباشد" را در ماده ۶۱۵ مندرج نماید. ثانیاً - پیش‌بینی اعمال قصاص را علاوه بر تحمیل حبس، از تبصره ۲ ماده ۶۱۵، حذف کند. و ثالثاً - به صراحت کلیه متازعین را در پرداخت دیه صدمات به طور مساوی مسئول شناسد.